

رایج بهار

سال اول سال اول مه کور ص ۱۲۰

این خانه آغا بسور ~~ساد ملک التو~~ ~~بیم ارج~~  
شکس جمعیت ایرانی برادران ص ۱۲۰  
(دکتر بار درختن صغیر رسیده شود)

در روز چهارم روز یکشنبه اول اردیبهشت ماه ۱۲۲۰ میلادی  
پنج وعده و شش سال زندگان زجاده در بار روی از حال بیرونه و در خانه  
نهی نودت، ادافه ای نامی نواله ای ماه لانه بر نام و نامی بیله بود  
و نیز هجرت سال از عمر گذشت با طمانی حوادث سهولت و صفتی تل  
ایران رو بر کرده در صف آراده کلید در آید در سال ۱۲۲۸ (قره)  
روزانه نو بار و شش آنگاه را در روزهای شرفقت دی از خانه  
مترت در دور سوم بر جابت محلی رسد در ۱۲۲۵ انجمن و مدد دانگه  
را بر عدد آورد در دور چهارم و پنجم و ششم هم دکن محلی نشود بن و بعد از  
مدتی خانه شش و صی و شصت در سال ۱۲۱۲ بر کس استادی دانگه  
کته روزه از آفرینار روزانه آمار را راه انداخت و در گانه دوم  
تمام اللغه وزارت فرهنگ را بر عهدت و در حوره نازدم تناس  
بر آن می آید و بعد بهار هفتاد و نود و این رنگت در شهر پس از  
دو سال با رنگت و اداری جمعیت ایرانی برادران ص ۱۲۰ را گردن آید



در این باره بود تا مگر در رجب و ذی قعدة بسیاران مانده کرد  
 روز ۲۳ شنبه و ۲۴ شنبه؛ بعد آن پس نه تدریس در آن دوگاه که فقط  
 مردش را حق شناسی و بی ضرر و امنانه تجویز استاد ۱۴ را ابدیت کرده  
 و خدمت را از آن دور است. باری به روزنامه معنی بنامه داشت ابدیت  
 بود که ترغیب هم در آنجا گذاشته و از آن وقت خانه و کسی ۵ دوره  
 و نیز معارف استاد است ساله دانگ. سرایه زنده است، خود به بنامه  
 گفت: «بزرگداشت آن کس» «توسعه» «توسعه» «توسعه» «توسعه»  
 بجز نمایان.  
 از آن روز بعد که استاد کف بنامه و در دهان خانه ای  
 سه روزه که در آن تمام بود و بر روی تذکرش آه از ناز خود ای مردم  
 را به بدو ملت بود، یکی آغاز شد استاد با او و در تمام همون دی  
 گذار آن روزگار در ترغیب بر مرده دی عبت گذار  
 گذار در ترغیب تا اگر در آن خانه کله نطق بر مرز این با هم صفا  
 سرایت نه. گذار مطلق معنی مانده و ملی و ترک و را حق کرد، اما کدام  
 بیدار دلی است که از او آم در روز و بر مرز ملت چشم خوانده باشد، در برزوال  
 ملک انوار انگلیس نخواهد بود



بایع: چهار - از کمر جمع ملاحظه

گفتم تکالیف اخلاقی و آثار و سبک انبیا بعد از پیغمبر با به تفصیل در این  
استاد ما در جوانی سبک سوره عرفان بودیم و کم خود را بخت از این  
وینا در دفتره و کلاس آن روزی حضرت گفته با کسی فرستاد که

در ۲۸ رشتا - نوها را که ناگوار بود - دیگر است ایران بود دیگر  
کردم در حال سال غرب انبیا بود است وینا ای ادا و مبارک است  
تکم صدیقان عرفان که در سبک آن امر از مرکز و نماز است  
حسب بود در آن روز درین نیز صحبت گفته با کسی این خوب است  
از تاریخ احوال سبک

بعد از توقف نوها آنهار را شتر یافت و در حکومت با امر الملک  
دند نه تهران وینا نه شهید از کمال در باب تمهیدانی با کت و در ادک  
صک حال اول از ذره گر بوجالت کوسین حوره جلی بود این فتنه گره  
سد آن ایست رمانه ال در گو و یافت و کنگش قرم اعده الون مانه  
تا تقریب شه و تقریب مانده مجلس از سال است و در سال لاجه  
پیشی است و در او کم دقتی حاجت مانده و اهل سبک با کت  
و بعد در سال ۱۳۲۸ مجلس در کنگ را به آورد و در کنگ  
سرور در خانه ایران



رابع بهار از کتب جامع

و باز در دوره چهارم از بخیزد در دوره پنجم از گامبرد دوره ششم از امدان  
ربالت میس رسبه

مکد و کور سخن سرادند هر چه در به دوره ای  
رضانه نوبار - نامه بار - جمله دانگن ایران سلسله که لاتی که اردی  
در مملکت هر دو پیام تو در روزانه آمد مملکت در گرانکه به منی هم عهد  
مکد سخنانی و تاریخ افراد سید در دسته ای در بر بریم کران و طعم و ماد  
دها تا به است

از نواصت شوایر فیه مکد و لغز ابیک سن تقدیر  
سید بود و بینه هر زانی سرود را با اینهمه گفته ای آقا فکری  
تقدیرانه در بران را در دسته مکد و لغز که شوایر مکد ملک النوا  
فاته میانه و نقشه سرای این بار بار را سال پیش ادب است ایران  
س از سلسله کور آن دینش و بارگت اولی امام کاظمیه که از مکد  
سخته و تالیف ندارد و آنجا از هم نمرد  
از زوایب بوفندگی هم باز مکد سال عمری نفس اشالی بر صوم کورا  
مهر فانی کز دینش و ساگردان مکدش با ترسه ای ما که عرانه امرد



که زبان ناز را چه با تنه ال کتبه آه صد ماضی دارد در این اعتدال لحنی  
سینه سینه و سینه ال کتبه آه صد ماضی دارد در این اعتدال لحنی  
رایه عقاب لغت از این و کتبه آه صد ماضی دارد در این اعتدال لحنی  
گذشته آنگاه سازد.

عقالات در کدابه تاریخ ادبیات است و در این دم صحنی عقالات بسیار  
در این بسیار دارد.

رنگ نیست که تفرود آری سگ آردار سینه از کتبه آه صد ماضی دارد در این اعتدال لحنی  
وام افیر را مکتوبان سر زنده بر قند و انما تزد. (یا انما تزد ۱۷۱)

و اقوام به بار بدالک سب است که با آغاز عمر سبیا خود را به یکم نام آور  
منطقه صوف درشته و انجم زنده گانی را در راه صبح آری آن کس که

سنت اندیشه است همین نفس است که اگر ملان حصه لایه  
استاد را بدست و انوشی سازد، اگر ملان نطنی در راه صبح سرد است

از مار سبوز برد، اگر بر بندان نگاه ادبی یا محقق آری او آرد کرد  
نام در این طوطی مبارکه که در بحرانی برین نام تاریخ قال در مملکت ما تمام

صفا صبح و توتون خوابی صبح لطیف مملکت گریه

استاد بار که این اولی از در دل چون کوه آبی مکتب در راه افروزی



رابع بیلا

در کتب مکتوبه در صورت صبح خواندن آن در آن وقت و آن سال به این سوره در  
میه کتباتشرا به جمیع و صدات و صراحت و شکر و نظم و تدبیر و کتب و طبع خود را  
در راه تحقیق قواعد بمنوعان خود قرار داد و مجلس از مجلس استاد از تکرار  
در دفاعه از آثار .

استاد استاد است که حضرت صبح خود را همان امروز را با اعلامه  
و صبح و بقیه و مکتبه نکرانه از وقت به کارهای در بافته بود که شرکت  
روزهای شام تا آخر و صارت سندی را در دی دارد . استاد از ضرورت  
که از طرف کتب و دست خواندن « راه نیست » این بود که روزی  
آفر عمر خود میگفت

اگر من نبودم که در پرده سال صبح بر چنگل غنای  
در درازان بر بار مجامه صدر شریعت و رئیس جمعیت ایرانی  
بود در آن صبح در سال ۱۲۱۹ تا ۱۲۲۰

محمد کوزل صبح از صفرا ۵